

Indicators of religious and revolutionary identity in education and political socialization of Iran

Mohammad nabizadeh^{*1}

Research Paper

Received:
18 December 2023
Accepted:
15 January 2024



Abstract

This research has been carried out with the aim of calculating the indicators of religious and revolutionary identity in Iran's political education and socialization. The method of this research was descriptive and analytical and the classification of the collected data was based on the library method based on databases, written sources and scientific treatises, which examined the religious and revolutionary identity from the perspective of Imam Khomeini (RA). The findings showed that the indicators of religious and revolutionary identity are: trust, seeking martyrdom, anti-falsehood, honor and perseverance, seeking justice and anti-tyranny, seeking freedom and independence, and governing. Also, the solutions for the integration of religious and revolutionary identity in the Iranian society are: Enmity, refinement and moral cultivation and elimination of corruption factors, following the guardianship and leadership. The pathology of the reasons and obstacles for achieving a religious and revolutionary identity in Iranian society included: the inefficiency of the mass media, the creation of economic bottlenecks by hostile countries, consumerism, luxuryism, and non-compliance with public interests. The results of the research show that the pathology of the reasons and obstacles for achieving religious and revolutionary identity in Iranian society and the proposed solutions can be useful in the formation of religious and revolutionary identity in the political education of Iranian society.

Keywords: religious identity[†] revolutionary identity[†] political education[†] civil education[†] socialization

1. Religious identity, revolutionary identity, political education, civil education, socialization.

kpnabizd@ihu.ac.ir



شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی در تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی

ایران

محمد نبی‌زاده^{۱*}

چکیده

این پژوهش باهدف احصاء شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی در تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی ایران انجام‌گرفته است. روش این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی و دسته‌بندی داده‌های گردآوری شده مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای مبتنی بر پایگاه‌های اطلاعاتی، منابع مکتوب و رساله‌های علمی بود که به بررسی هویت دینی و انقلابی از منظر امام خمینی(ره) پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی عبارت‌اند از: توکل، شهادت‌طلبی، باطل‌ستیزی، عزت و استقامت، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، آزادی و استقلال‌خواهی، ولایت‌مداری. همچنین راهکارهای انسجام هویت دینی و انقلابی در جامعه ایران عبارت‌اند از: دشمن‌شناسی، تهذیب و تزکیه اخلاقی و حذف عوامل فساد، پیروی از ولایت و رهبری. آسیب‌شناسی دلایل و موانع دستیابی به هویت دینی و انقلابی در جامعه ایران شامل: ناکارآمدی رسانه‌های جمعی، ایجاد تنگناهای اقتصادی از سوی کشورهای معاند، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و عدم رعایت منافع عمومی بود. نتایج پژوهش بیانگر این است که دلایل و موانع دستیابی به هویت دینی و انقلابی در جامعه ایران و راهکارهای ارائه شده می‌تواند در شکل‌گیری هویت دینی و انقلابی تربیت سیاسی جامعه ایران مفید واقع شود.

کلیدواژه‌ها: هویت دینی، هویت انقلابی، تربیت سیاسی، تربیت مدنی، جامعه‌پذیری.

۱. نویسنده مسئول: مدرس دانشکده فرهنگی اجتماعی و تولید قدرت نرم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

۱- مقدمه و بیان مسئله

نظام‌های سیاسی همواره دغدغه آموزش و تربیت سیاسی جامعه خود را دارند؛ زیرا پایداری نظام‌های سیاسی به تحقق عینی آرمان‌ها، اهداف و عبور سالم و موفق از طوفان حوادث و بحران‌های سیاسی و اجتماعی است «تربیت سیاسی» پاسخی عقلانی به این دغدغه مهم است (مهدوی زادگان و محمدی سیرت، ۱۳۸۸: ۱۲۶). اما سلطه نظام لیبرالیستی بر مبانی سیاسی و اجتماعی نظام‌های موجود از تحقق کامل آرمان و اهداف نظامی چون نظام سیاسی اسلام و هویت دینی و انقلاب آن می‌کاهد. در دوران معاصر حکومت پهلوی به مقابله آشکار با هویت اسلامی پرداخت. این حکومت سعی داشت تا ترکیبی از فرهنگ و هویت غربی و هویت ایران پیش از اسلام را جایگزین هویت اسلامی - شیعی کند. قرارداد این دو هویت ایران باستان و هویت اسلامی در مقابل یکدیگر توطئه‌ای بود که این رژیم برای مبارزه با هویت اسلامی اتخاذ کرده بود. این تعارضات بر اثر عوامل مختلفی ایجاد شد، اما به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین آنها در سطح ملی زمانی روی داد که در رژیم پهلوی تلاش کرد که با استفاده از ابزار قدرت نوعی «هویت‌سازی» انجام دهد (کمالی اردکانی، ۱۳۸۳: ۳۱۵-۳۳۰). این در حالی است که هیچ شخص واقعی نمی‌تواند این دو فرهنگ و هویت را از یکدیگر متمایز و جدا کند.

بدین طریق با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هویت ایرانی - شیعی بر مبنای گفتمان دین‌محور و انقلابی شکل گرفت. این هویت دین‌محور و انقلابی توانست تا حدود زیادی محورها و منابع هویت‌بخش و بدیل‌های رقیب را به حاشیه براند. به نحوی که، از دیدگاه پژوهشگران حوزه سیاسی، مهم‌ترین شاخص و ویژگی انقلاب اسلامی که آن را از دیگر حرکت‌های انقلابی معاصر متمایز می‌ساخت، هویت دینی و انقلابی آن بود که انسان‌ها را به عمل به دستورات الهی برای نیل به سعادت فرامی‌خواند و با هرگونه سلطه‌پذیری و استکبار مقابله می‌کند.

انقلاب اسلامی با ایجاد هویتی «معناساز» و «معنابخش» در صدد بر آمد با بهره‌گیری از فرهنگ سیاسی اسلامی - شیعی به ترسیم زوایا و ابعاد «بودن در این جهاد» پردازد و با نفی هویت‌های غیراصیل و وارداتی پیش از انقلاب، در قالب‌هایی نظیر غرب‌گرایی، ایران‌شهری و باستان‌گرایی،

شبه مدرنیزاسیون، سوسیالیسم، کمونیسم و... هویتی نوین و متمایز را بر پایه بنیان‌های ارزشی و آموزه‌های دینی و استکبارستیز شکل دهد. از سوی دیگر استکبار جهانی با هر شکل ممکن از این هویت دینی و انقلابی مقابله می‌کند. تحریم اقتصادی، جنگ تحمیلی هشت‌ساله، تقویت گروهک‌های محارب و... از جمله‌ی این تلاش‌ها برای مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی و هویت دینی انقلابی ایران اسلامی بودند. اما در حال حاضر، استراتژی‌های غرب، برای مبارزه با انقلاب اسلامی و پیام فرهنگی آن پیچیده‌تر و وارد مرحله بسیار حساس‌تری شده است. هنگامی که امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا، در حرکت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی علیه انقلاب اسلامی به موفقیت چشمگیری دست نیافت و راهبرد کوتاه‌مدت را برای ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی ناتوان دید، به دنبال راهبردی، بلندمدت جهت مقابله با آن افتاد. این راهبرد استحاله فرهنگی در جهت از بین بردن هویت دینی و انقلابی بود (نگارش، ۱۳۸۵: ۲۵)؛ بنابراین در مقابل این تهاجم، آگاهی دادن به جامعه ایران و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی و انقلابی خود، بهترین راه برای تربیت سیاسی آنان و درامان ماندن از ضربات سخت و مهلک دشمن است.

اهمیت مسئله هویت در عصر حاضر که با مقتضیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای روبه‌روست، به حدی است که این مسئله به یکی از مشغله‌ها و دغدغه‌های اساسی بسیاری از دولتمردان، سیاست‌گذاران، دانشمندان و پژوهشگران رشته‌های گوناگون بدل شده است. هویت، سرمایه مهمی است که نقش مهمی در شناسایی و تعیین مسیر حرکت یک جامعه و افراد آن، به ویژه نسل جوان ایفا می‌کند و سبب احساس ارزشمندی در افراد می‌شود (کوت و لوین، ۲۰۱۸: ۲). برای اساس، ایجاد و رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مختلف هویت افراد (به ویژه نوجوانان و جوانان)، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌ها و دغدغه‌های نظام‌های حکومتی و به تبع آن، نهاد‌های آموزشی و از جمله مراکز آموزش و پرورش مطرح است (داویس و کیانگ، ۲۰۱۶: ۵۳۲). در این راستا این نوشتار درصدد تبیین شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی است. بنابراین سوال اصلی پژوهش این است که شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی در تربیت و جامعه پذیری سیاسی ایران کدامند؟

۲- مبانی نظری پژوهش

سخن از هویت دینی و انقلابی، مستلزم شناخت دقیق مفهوم هویت و تصور درست از آن است. امروزه پژوهش‌ها و پیمایش‌های متعدد جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که در جامعه ایران مسئله هویت، باتوجه به مقتضیات داخلی و خارجی، همچنان موضوعیت دارد (حاجیان، ۱۳۷۹: ۲۱۶). پس در این بخش ابتدا به تعریف هویت و سپس به بررسی چیستی هویت دینی و انقلابی می‌پردازیم.

۲-۱- هویت

هویت از نظر لغوی به معنای شخصیت، ذات، هستی، وجود و آنچه منسوب به «هو» می‌باشد و اصطلاح به معنای حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۲۵۱۳). هویت به معنای چیستی و کیستی است که از نیاز طبیعی انسان به شناخته‌شدن و در پیوند با چیزی یا جایی برمی‌آید. این نیاز به وابستگی، ریشه‌ای ذاتی یا غریزی در انسان است (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۴). هویت از نظر اصطلاحی در ساده‌ترین تعبیر، به معنای ویژگی‌های متمایزکننده فرد از دیگری است. یا به تعبیری دیگر، هویت شناسه‌ای است که فرد یا گروهی از افراد بر مبنای آن خود را تعریف می‌کنند و از دیگران متمایز می‌سازند. این شناسه‌های خاص شامل زبان، دین، نژاد، تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، معماری و... است. لوکمان و برگر هویت را دربرگیرنده همه نقش‌ها و گرایش‌های فرد می‌دانند که در طول مدت اجتماعی شدن درونی کرده است؛ بنابراین، هویت در جریان فرایند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد، تغییر می‌کند و یا حتی از نو شکل می‌گیرد. با این رویکرد می‌توان هویت را حاصل دیالکتیک واقعیت ذهنی و واقعیت عینی دانست که در برابر ساختارهای اجتماعی معین واکنش نشان داده و موجب حفظ، تغییر یا شکل‌گیری مجدد ساختارهای اجتماعی می‌شود (لوکمان و برگر، ۱۳۷۵: ۲۳۶).

۲-۲- تربیت سیاسی

درباره تربیت سیاسی تعاریف متعددی ارائه شده چنان‌که گفته‌اند: «تربیت سیاسی، پرورش فضایل، دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است.» (مصباح، ۱۳۹۰: ۱۸۰) تربیت سیاسی ارتباط تنگاتنگ با

جامعه‌پذیری سیاسی و بنیان‌های نظری آن دارد. هر مکتب‌سیاسی براساس اصول و مبانی نظری خود، هدف‌های ویژه‌ای دنبال می‌کند. بدین روی، به لحاظ جنبه نظری و تدوین الگوی تربیت سیاسی، باید ساختاری منطقی برای این امر فراهم شود تا فرایند تربیت سیاسی نظام آموزشی بر مبانی و اصول و روش‌هایی متکی گردد که با اهداف تربیت سیاسی سازگار باشد (موسوی، ۱۳۸۷: ۴۸).

۵-۲- جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی، روندی است که فرد در آن، با وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شود. در این فرایند «فرهنگ سیاسی جامعه» از نسلی به نسل دیگر، یا از نهادی به گروه‌های مختلف جامعه انتقال می‌یابد. نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی، با انتقال «فرهنگ سیاسی»، هم شرایط تداوم حیات سیاسی و نظام ارزشی آن را فراهم می‌کنند و هم سبب ثبات فرهنگ سیاسی، اجتماعی و سنت‌ها می‌شوند. این فرایند را می‌توان چنین تعریف کرد: «فرایندهای رشد که افراد از طریق آنها، جهت‌گیری‌ها و انگاره‌های رفتار سیاسی خود را کسب می‌کنند» (رانی، ۱۳۷۴: ۸۳).

۶-۲- هویت دینی و انقلابی

هویت دینی و انقلابی از مهم‌ترین ابعاد هویت هستند. هویت دینی از منشأ دین تعریف می‌شود و به تبع دین، خود را تعریف و مشخص می‌سازد (منصور نژاد، ۱۳۸۵: ۱۵). در ارتباط با هویت دینی می‌توان گفت، هر رفتار و سلوکی که ریشه در وحی داشته باشد، دارای هویت دینی است. به عبارت دیگر، هویت دینی پس از تحکیم ارتباط انسان با عالم وحی و خداوند و قبول حاکمیت الهی، در وجود انسان و جامعه شکل می‌گیرد. پس از تثبیت هویت دینی، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمان و هدف دینی شکل می‌گیرد. هویت دینی همواره به انسان می‌نمایاند که طبیعت، بخش نازل هستی است و هستی، بخش برتری نیز دارد که بر طبیعت نیز تأثیر می‌گذارد. طبیعت در تعبیرهای اسلامی، به آیت، یا نشانه یاد شده است که از بخش دیگر عالم، حکایت می‌کند. با نگرش انسان به عالم هستی از منظر دین، هیچ‌گاه آدمی از باطن امور غافل نمی‌شود و پندار، گفتار و رفتار خود را با جهان‌بینی الهی، تطبیق می‌دهد. جایگاه انسان در هویت دینی،

جایگاه خلیفه‌الهی است و انسان به عنوان خلیفه الله، در عالم حضور دارد و سر منزل و مقصود عالم نیز برای او مشخص است (نگارش، ۱۳۸۵: ۸۷).

هویت دینی ایران پس از انقلاب اسلامی متکی بر اسلام ناب شکل گرفته است. این هویت دینی ولایت‌مدار، یک شاخص برجسته نسبت به هویت‌های دینی و اسلامی دیگر که بر اسلام ظاهری و مناسکی صرف توجه نشان می‌دهند، دارد و آن انقلابی بودن آن است. به بیان بهتر این هویت دینی، ماهیت انقلابی بودنش را از نهضت امام حسین (ع) برگرفته و بجای تأکید صرف بر مناسک و اسلام ظاهری، ماهیتی قیامت‌نگر، شهادت‌طلبانه، جامعه‌نگر و عقلانی، ولایت محور، اجتهاد عملی، عقلانیت انقلابی، استکبارستیزی، استقلال‌طلبی و عزت‌طلبی و دفاع از مظلوم در راه حق - مبتنی بر وحی ناب اسلامی - تأکید وافر دارد و در این راه خطرات فراروی خود را می‌پذیرد.

۳- سیر تطور تاریخی هویت دینی و انقلابی در ایران

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های هویت ایران را می‌توان ارتباط درهم‌تنیده و پیوند همه‌جانبه با موضوع مذهب دانست. شواهد نشان می‌دهد که جامعه ایرانی دارای ذات مذهبی می‌باشد و هیچ‌گاه مذهب از عرصه تفسیری، رفتاری و هویتی ایران فاصله نگرفت. باتوجه به این پشتوانه هویتی در بین جامعه ایرانی، پس از ورود دین «اسلام» به جغرافیای ایران، این دین خیلی سریع به دلیل کمال آن نسبت به دین‌های قبلی و سازگاری با هویت یکتاپرستی ایرانیان، به بخشی از هویت پایدار اکثریت ایرانی‌ها تا هم اکنون تبدیل شد. اما این هویت از اوایل سده نوزدهم میلادی به دنبال آشنایی و تحمیل عناصر مدرن غربی توسط سردمداران وقت به فرهنگ و هویت ایرانی، همچون موج لائیسزم، شاهد بروز نوعی بحران در «هویت جامعه ایرانی» هستیم که نقش مذهب را در فرهنگ سیاسی ایران نادیده می‌گیرند، درحالی که مذهب اصلی‌ترین عامل هویتی در ایران است (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

این بحران در دوران معاصر در حکومت پهلوی‌ها به اوج خود رسید. رژیم پهلوی با کمک نیروهای خارجی روی کار آمد و فاقد هویت اصیل اسلامی و انقلابی بود و به همین دلیل در تمام دوران حیات خود فاقد مشروعیت مردمی بود و در همین جهت شاه پدر و پسر برای جلوگیری از فروپاشی رژیم، پایه‌های تحکیم خود را بر ارتش، ساواک، دیوان‌سالاری و همچنین حمایت ویژه امپریالیسم آمریکا، غرب و حتی چین و شوروی قرارداد.

در این دوران، حکومت پهلوی در پی آن بود بنیادهای هویتی مردم ایران از هویت دینی و انقلابی به هویت سکولار و لیبرالیستی با ماهیت تساهل و منفعل بودن نسبت به ظلم و بی عدالتی و همچنین ناسیونالیسم متکی بر ایران باستان و فرهنگ سلطنتی تغییر دهد تا با ایجاد یک هویت جعلی، دوام و مشروعیت خود را در بین ایرانیان افزایش دهد. در این شرایط انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی(ره)، به احیای فرهنگ، هویت دینی و انقلابی پرداخت و حضور فعال و مردم و نسل جدید را در صحنه‌های مختلف اجتماعی برای مبارزه با رژیم فاسد و غیرقانونی پهلوی، تثبیت و تضمین نمود. به این ترتیب، آموزه‌های دینی اسلام که در هویت سیاسی مردم ایران نهفته بود، در دوران انقلاب اسلامی به کمک امام خمینی(ره) بازتولید شد.

۴- هویت دینی و انقلابی در اندیشه امام خمینی(ره)

در شرایطی که اسلام روزبه‌روز از صحنه زندگی سیاسی - اجتماعی و حتی فردی کنار گذاشته می‌شد و رژیم سیاسی حاکم نیز در راستای منافع و تمایلات سکولاریستی‌اش بر سرعت این روند می‌افزود و روزبه‌روز غرب‌زدگی، از خودبیگانگی و وابستگی را در قالب سیاست‌های ناسیونالیستی مفرط، شبه‌مدرنیستی و سکولاریستی‌اش جایگزین فرهنگ و هویت اسلامی می‌کرد، امام خمینی وارد عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی شد و در مقابل تلاش حاکمیت پهلوی در راستای محو دین و اندیشه دینی، احیای هویت اصیل اسلامی را وجهه همت خود ساخت و رویارویی با غرب و بازگشت به هویت اصیل اسلامی و انقلابی را وارد عرصه سیاسی و اجتماعی کردند.

در ابتدا امام خمینی(ره) برای بازگشت مسلمانان به هویت اسلامی و دینی خود و روی گردانی مردم و روشنفکران از غرب به عنوان آرمان زندگی دنیوی، لازم دانستند اسلام حقیقی را برای مردم تعریف کنند. ایشان اسلام حقیقی را، دینی جامع و کامل معرفی می‌کنند که به عنوان یک مکتب برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی دارای برنامه است :

«اسلام برنامه زندگی دارد؛ اسلام برنامه حکومت دارد... اسلام از قبل از تولد انسان شالوده حیات فردی را ریخته است تا آن وقت که در عائله زندگی می‌کند، شالوده اجتماع عائله‌ای را ریخته است و تکلیف معین فرموده است تا آن وقت که در تعلیم وارد می‌شود، تا آن وقت که در اجتماع

وارد می‌شود، تا آن وقت که روابطش با سایر ممالک و سایر دول و سایر ملل هست» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۱۹).

به این ترتیب ایشان مردم را به سوی هویت اصیل خویش که کامل‌ترین برنامه‌های زندگی را برای زندگی دنیوی و اخروی دارد فرامی‌خواند. امام خمینی (ره) فراموشی هویت اصیل خویش و گرایش به غرب‌زدگی را با عنوان «ظلمت و طاغوت» و از غرب‌زدگان با عنوان کسانی که اولیایشان طاغوت است و از نور به ظلمت وارد شده‌اند یاد می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۹، ۵۹-۶۰). به اعتقاد او، رهایی از این ظلمت و طاغوت جز با بازگشت به فرهنگ و هویت اسلامی میسر نیست: چاره با مقدمه اساسی، آن است که ملت‌های مسلمان و دولت‌ها اگر ملی هستند، کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزایند و فرهنگ و اصالت خود را بازیابند و فرهنگ مترقی اسلام را که الهام از وحی الهی می‌باشد بشناسند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۰، ۷۹). امام خمینی (ره) با ایمان به این مهم که بازگشت و رسیدن به هویت دینی جز از طریق شهادت‌طلبی و انقلاب در راه مبارزه با کفر و سلطه و برپایی حکومتی اسلامی، امکان‌پذیر نخواهد شد، تمام مباحث و اهتمام خود را جهت ایجاد و تحقق این طرح صرف نمود و با پی‌ریزی انقلابی بر مبنای دین، در صدد بازتولید هویت دینی و انقلابی برآمد.

امام که خوب دریافته بود بازگشت به هویت دینی جز از راه مبارزه و انقلاب حاصل نمی‌شود، با الهام از آموزه‌های تشیع، تعبیری از اسلام انقلابی عرضه نمود و آنها را در مبارزات خود علیه حکومت پهلوی به کاربرد. به نظر امام خمینی: «اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند، مکتب مبارزان و مردم ضد استعماری است» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴). امام این نقش انقلابی را با الهام از تعالیم اسلامی و نمادهای اسلام انقلابی بهره می‌گیرد و به احیای هویت دینی می‌پردازد. برای ورود به این عرصه و بیداری حافظه جمعی، از نمادها و نشان‌هایی چون، نهضت عاشورا و فلسفه شهادت، قیام امام حسین (ع) و مقایسه ی وضع موجود با زمان وی، بهره می‌گیرد. ایشان با شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» مبارزه همیشگی میان ظلم و عدل را یادآور می‌شود:

«امروز مطلب مهم است. از مهماتی است که جان باید پایش داد. همان مهمی است که سیدالشهدا جانش را داد برایش، همان مهمی است که پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت برایش کشید،

همان مهمی است که حضرت امیر - سلام‌الله‌علیه - هجده ماه با معاویه جنگ کرد در صورتی که معاویه دعوی اسلام می‌کرد... برای اینکه یک سلطان جائر بود، برای اینکه یک دستگاہ جائر بود، باید به زمینش بزند. آن قدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آن قدر از آنها را هم کشت؛ برای چه؟ برای اینکه اقامه حق بکند، اقامه عدل بکند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: جلد ۵، ص ۱۶).

با رجوع به این گونه حوادث تاریخی و با ارجاع‌ها به تاریخ اسلام و سمبل‌های هویت دینی، امام می‌خواهد، بازگشت به خویشتن را به تصویر بکشد و مبارزه همیشگی برای ایجاد عدالت را یادآور شود.

بدین ترتیب ایشان اسلام را از حالت تدافعی نسبت به ظلم خارج نمود و با بازتولید اسلام انقلابی که سال‌ها به فراموشی سپرده شده بود، در راستای مبارزه با تلاش برای فراموشی هویت دینی و ایجاد غرب‌زدگی و مظاهر داخلی و خارجی آنها یعنی، استبداد و استعمار اقدام نمود، و با درپیش گرفتن مشی مبارزه انقلابی در راستای جای‌گزینی حکومت مبتنی بر فرهنگ و هویت اسلامی و انقلابی به‌جای حکومت غرب‌گرای پهلوی تلاش کرد. در این میان، امام خود را در صف اول مبارزه با کفر و حفظ هویت اسلامی قرار می‌دهد و همگان را دعوت به بازگشت به هویت دینی و انقلابی خود می‌کند.

۵- پیشینه پژوهش

عباسی شوازی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "مطالعه رابطه جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز" به این موضوع پرداخته‌اند که اثربخشی و آگاهی سیاسی برآمده از جامعه‌پذیری سیاسی چگونه و به چه میزان می‌تواند مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین کند. بر اساس یافته‌های پژوهش رابطه معناداری بین متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی و اثربخشی سیاسی با متغیر مشارکت سیاسی به‌طور کلی و مشارکت در فضای آنلاین وجود دارد و متغیر اثربخشی سیاسی در این دو مدل متغیر میانجی است.

محمدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "فهم تجربه زیسته زنان از فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در ایران" با رویکرد روش‌شناختی پدیدارشناسی در پی فهم ماهیت مسئله

جامعه‌پذیری سیاسی زنان در ایران برآمده است. استنباط مقاله این است؛ زنان در جامعه ایران به دلیل ضعف جامعه‌پذیری سیاسی، در حاشیه نظام سیاسی قرار داشته‌اند و نوعی طرد سیاسی برای آن‌ها برساخت شده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت شرایط امروز جامعه ایران با یک پدیده‌ای به نام زیست سیاسی متعارض زنانه مواجه است و همچنان چالش‌ها و سردرگمی‌هایی در حوزه زنان پابرجا مانده است.

طاهری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "هویت‌سازی با تاکید بر جامعه‌پذیری سیاسی" به جامعه‌پذیری سیاسی پرداختند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان وظیفه استفاده شده است. این مقیاس شامل ۱۸ گویه بوده است که در قالب ۵ مؤلفه‌ی شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای سیاسی - خدمت به اعتلای وطن - مشارکت سیاسی - احترام به حاکمیت نظام سیاسی - پابندی به تعهدات، عمل و رفتار از طریق جامعه آماری موردسنجش قرار گرفته است. برابر نتایج به‌دست آمده مؤلفه‌های اول و دوم و پنجم مطلوب ارزیابی شد و مؤلفه‌های سوم و چهارم هرچند میزان رضایتمندی را تا اندازه‌ای برآورده (به لحاظ آماری) اما همچنان خلأ انجام سیاست‌گذاری‌های مؤثر و کارآمد در خصوص این مؤلفه‌ها مشهود و ملموس است و باید موردتوجه سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرند.

جاوید مهر (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "کارکردهای جامعه‌پذیری سیاسی بر تعلیم و تربیت" به این نتیجه رسیدند که جامعه‌پذیری سیاسی باعث شکوفاشدن استعدادهای دانش‌آموزان می‌گردد و همچنین ارزش‌ها و باورهای اساسی جامعه را درونی می‌کند. نظام‌های درگیر در تعلیم و تربیت به خصوص آموزش و پرورش و شخص معلم بیشترین سهم و نقش و تأثیر را برای شکل‌دادن این فرایند بر عهده دارند.

جراحی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن" به این نتیجه رسیدند که تربیت سیاسی، تلاش در راه تربیت شهروندانی مسوول و وظیفه‌شناس و رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های او می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد در هیچ‌کدام از پژوهش‌ها به شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی در تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی ایران پرداخته نشده است و لذا در این پژوهش به دنبال این مهم هستیم.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	عباسی شوازی و همکاران (۱۴۰۱)	مطالعه رابطه جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی سیاسی و اثربخشی سیاسی بر مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز	پیمایش	رابطه معناداری بین متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی و اثربخشی سیاسی با متغیر مشارکت سیاسی به‌طور کلی و مشارکت در فضای آنلاین وجود دارد و متغیر اثربخشی سیاسی در این دو مدل متغیر میانجی است.
۲	محمدی و همکاران (۱۴۰۱)	فهم تجربه زیسته زنان از فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در ایران	پدیدارشناسی	زنان در جامعه ایران به دلیل ضعف جامعه‌پذیری سیاسی، در حاشیه نظام سیاسی قرار داشته‌اند و نوعی طرد سیاسی برای آن‌ها بر ساخت شده است.
۳	طاهری و همکاران (۱۴۰۱)	هویت‌سازی با تأکید بر جامعه‌پذیری سیاسی	توصیفی از نوع پیمایشی	برابر نتایج به‌دست آمده مؤلفه‌های اول و دوم و پنجم مطلوب ارزیابی شد و مؤلفه‌های سوم و چهارم هرچند میزان رضایتمندی را تاندازه‌ای برآورده (به لحاظ آماری) اما همچنان خلأ انجام سیاست‌گذاری‌های مؤثر و کارآمد در خصوص این مؤلفه‌ها مشهود و ملموس است و باید مورد توجه سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرند.
۴	جاوید مهر (۱۳۹۴)	کارکردهای جامعه‌پذیری سیاسی بر	توصیفی تحلیلی	که جامعه‌پذیری سیاسی باعث شکوفاشدن استعدادها و دانش‌آموزان می‌گردد و همچنین ارزش‌ها و باورهای

<p>اساسی جامعه را درونی می‌کند. نظام‌های درگیر در تعلیم و تربیت به‌خصوص آموزش و پرورش و شخص معلم بیشترین سهم و نقش و تأثیر را برای شکل‌دادن این فرایند بر عهده دارند.</p>		<p>تعلیم و تربیت</p>		
<p>تربیت سیاسی، تلاش در راه تربیت شهروندانی مسئول و وظیفه‌شناس و رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های او می‌باشد.</p>		<p>مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن</p>	<p>جراحی و همکاران (۱۳۹۳)</p>	<p>۵</p>

۶- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر باهدف شناسایی شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی در تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی ایران انجام شده است. این پژوهش از نوع هدف کاربردی و رویکرد آن کیفی بود. روش این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی و دسته‌بندی داده‌های گردآوری شده مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای مبتنی بر پایگاه‌های اطلاعاتی، منابع مکتوب و رساله‌های علمی بود که به بررسی هویت دینی و انقلابی راه کارهای حفظ هویت دینی پرداخته شد.

۷- یافته‌های پژوهش

۱- ۷- شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی

شاخصه اصلی و اولیه هویت اسلامی، اعتقاد به خدا، معاد، پیامبر خاتم(ص) و اعتقاد به ائمه معصومین(ع) است. اگر این شاخصه‌های هویت دینی در کنار مولفه‌های دیگری همچون توکل، شهادت‌طلب، سلطه‌ستیزی، استقلال و عزت‌خواهی قرار گیرد، هویت دینی و انقلابی شکل می‌گیرد. اکنون برای آشنایی بهتر با هویت دینی و انقلابی لازم است شاخصه‌های آن شناخته شود. اینک این مشخصات به اختصار توضیح داده می‌شود.

۲- ۷- توکل

از شاخصه‌های مهم در هویت دینی، توکل به خداوند است. زیرا توکل، تکیه داشتن بر نیروی الهی و نصرت و امداد اوست. داشتن تکیه‌گاهی قدرتمند و استوار در شدايد و حوادث، عامل ثبات قدم

و نهراسیدن از دشمنان و مشکلات است. توکل داشتن، یعنی این که انسان خداوند را ملجأ و پناهگاه واقعی خویش بداند و در همه امور به او تکیه کند. پیدایش این حالت در روح آدمی از معرفت انسان به ربوبیت الهی نشئت می‌گیرد. یعنی اگر انسان، خدا را مالک و صاحب‌اختیار هستی بداند و تنها او را فاعل مؤثر، قلمداد کند، در واقع به او توکل کرده است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که انسان برای پیشرفت امور دنیوی خود، وکیل اختیار می‌کند و بسیاری از امور را برای رسیدن به نتایجی روشن‌تر به او واگذار می‌نماید، بنده خدا نیز در همه امور زندگی باید به خدا تکیه کند تا خواسته‌هایش تأمین گردد (نگارش، ۱۳۸۵: ۹۵).

در عصر حاضر، امام خمینی (ره) نمونه یک انسان برجسته الهی بود که در همه حالات زندگی، به خدا توکل داشت. یکی از نویسندگان مسیحی درباره حالت اطمینان و توکل امام خمینی (ره) می‌گوید: «خیلی چیزهای انقلاب ایران من را جذب کرد، ولی مهم‌تر از همه چیز خاطره من از رهبر انقلاب ایران می‌باشد. من با این که خیلی از شخصیت‌ها و سیاستمداران جهان را دیده‌ام؛ اما تاکنون کسی را مانند وی این‌گونه مطمئن و آرام ندیدم؛ با وجود این که مردی انقلابی و خستگی‌ناپذیر است؛ ولی گویا دنیایی از آرامش و اطمینان او را همراهی می‌کند» (مختاری، ۱۳۶۶: ۳۸۰).

۳-۷- شهادت طلبی

روحیه‌ای که همراه با رهایی از تعلقات دنیوی است، «شهادت طلبی» گفته می‌شود. در هویت اسلام ناب، انسان‌ها درک متعالی‌تری از فلسفه حیات و جهاد در راه خدا دارند و حاضرند جان خود را فدا کنند و از شهادت در راه مکتب و دین خود استقبال کنند. زیرا چنین مرگ در راه خدا، معامله‌ای پر سود با آفریدگار است، یعنی جان فدا کردن و به بهشت جاوید رسیدن. شهادت‌طلبان، تفسیر نوینی از مرگ و زندگی دارند و به راحتی حاضرند شرافت شهادت در راه حق را بر زندگی چندروزه و گذرا اما در ننگ و بدنامی ترجیح دهند.

اولیای دین و پیروان خالص آنان چنین روحیه‌ای داشتند و بذل جان در راه اسلام مضایقه نمی‌کردند. مثلاً در صحنه عاشورا، شهادت‌طلبی یاران باایمان امام حسین علیه‌السلام، در عمل تجلی یافت. خود آن حضرت نیز پیش‌تاز و الگوی این میدان بود. وقتی امام می‌خواست از مکه حرکت کند، با خواندن خطبه‌ای که از زیبایی مرگ در راه خدا برای جوانمردان سخن می‌گفت، از افراد خواست هر کس شهادت‌طلب است و آمادگی بذل جان و خون دارد، همراه ما بیاید: «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتُهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا» (مجلسی، ج ۴۴، ۳۶۶) و یا در جایی دیگر فرمودند: «مرگ باعزت بهتر از زندگی با ذلت است» «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» (ابن شهر آشوب، ج ۴، ۶۸). این سخنان شاهدهی از روحیه شهادت‌طلبی در امام است. در واقع این نوع فرهنگ شهادت‌طلبی و لیبیک به جهاد در راه خدا را عاشورا و اهل‌بیت زنده ساختند و وارد هویت دینی و انقلابی ما شیعیان و پیروان اهل بیت کردند (محدثی، ۱۳۸۵: ۸۸). این نوع روحیه استقبال از مرگ در راه عقیده و آرمان، نزد ملت‌های دیگر هم ارزشمند و ستودنی است و مردم آزاده چنین مرگی را تقدیس و تمجید می‌کنند و آن را برتر از زندگی مذلت‌بار و زیر بار ستم و همراه با ننگ و پستی می‌شمارند.

در دوران معاصر این نوع روحیه را امام خمینی (ره) زنده کردند و در سراسر دوران مبارزه با رژیم ستم‌شاهی و بعد از آن، شاهد چنین روحیه‌ای در ایشان هستیم و همیشه خود در صف اول جهاد قرار می‌دادند و آرزوی شهادت در راه خدا و کسب رضای الهی بزرگ‌ترین آرمان وی محسوب می‌شدند؛ مثلاً ایشان در جایی می‌فرمایند: «من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه می‌دهد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲۰، ۱۱۳).

همچنین در این ارتباط امام معتقد است، عامل تضمین آینده کشور در هر زمینه‌ای، نه مذاکره و سازش بلکه حفظ همین روحیه و هویت شهادت‌طلبی است: «ما امروز به انتظار شهادت نشستیم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۴، ۲۶۶)

۴-۷- باطل ستیزی

مبارزه حق و باطل در تاریخ بشری و در مکتب‌های الهی، سابقه‌ای طولانی دارد. باطل، چه در زمینه افکار و عقاید، چه در بعد رفتاری و اخلاقی و چه در محور اجتماعی و حکومتی، به‌عنوان چیزی بوده که همه انبیا و اوصیا و امامان با آن مبارزه کرده‌اند. سنت الهی نیز بر این بوده که با نیروی حق، باطل را نابود می‌ساخته است: «بل نقذف بالباطل فیدمعه فاذا هو زاهق» (شریفی، محمود و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۶۰)؛ بنابراین باطل ستیزی یکی از شاخصه‌های اصلی هویت دینی و انقلابی است. اما سؤالی پیش می‌آید که باطل و حق چیستند؟ و سیر تاریخ باطل ستیزی در صدر اسلام چگونه بوده است؟

خدا حق است و شرک و شرکا باطل. اسلام حق است و کفر و نفاق، باطل. حضرت رسول (ص) و امامان (ع) حق‌اند و مخالفانشان باطل. عدالت و صدق، حق است و جور و فریب، باطل. حکومت اسلامی حق است و سلطه‌های طاغوتی باطل. جهاد مسلمانان در زمان پیامبر خدا با پیروان باطل بود و جنگ‌های سه‌گانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز با گروه‌های باطلی بود که نقاب حق به چهره زده بودند. امام حسین (علیه‌السلام) در زمان خویش، با باطلی صریح و آشکار، همچون حکومت یزید روبه‌رو بود و تکلیف او مبارزه با این حکومت فاسد و عملکردهای متکی به باطل در جامعه بود (محدثی، ۱۳۸۵: ۵۶). سیدالشهدا (ع) یکی از زمینه‌های قیام خویش را این چنین فرموده که: «آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل پرهیز نمی‌کنند؟ پس باید به استقبال شهادت رفت» (مجلسی، ۱۳۶۸: ج ۴۴، ۳۸۳). در سخن امام، تکلیف باطل ستیزی را به‌صورت کلی و همیشگی روشن می‌سازد و تصریح می‌کند که در برابر قدرت‌های باطل، نباید سکوت و سازش کرد.

انقلاب اسلامی ایران نیز به رهبری امام (ره) همراه با مبارزه و قیام بر ضد رژیم شاهنشاهی، به این شاخصه از هویت دینی و انقلابی یعنی باطل ستیزی همواره پایبند بود و همیشه در عرصه بین‌الملل نیز شعار مبارزه با استکبار جهانی را مطرح ساخت. از دیدگاه نظام اسلامی، استکبار، خصلتی از مجموعه خصلت‌های کُفر و باطل است. این بدان علت است که حالت استکباری نظام‌های سلطه‌گر در دنیا، خود یکی از نمادهای کفر به شمار می‌آید. بر همین اساس، گاه از واژه کفر جهانی نیز استفاده می‌شود. به سخن دیگر، اگر چه سردمداران نظام‌های قدرت‌طلب، خود را به

ادیان الهی پایبند می‌دانند، ولی در مقام عمل، بزرگ‌ترین ویژگی کافران، یعنی برتری‌جویی و استکبار را در وجود خود جای داده‌اند. از این دیدگاه، نظام سلطه در جهان معاصر، نظام کفر و استکبار است (منصوری، ۱۳۷۸: ۲۲).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این ارتباط در مورد اهمیت این شاخصه می‌فرماید: «استکبار از هر دولتی و از هر نظامی سر بزند آفت برای بشریت است. البته امروز آمریکا و صهیونیسم مظهر استکبارند؛ لیکن هر جا، هر کس، هر دولتی و هر مجموعه‌ای که نسبت به دیگران استکبار بورزند، آفتی در جامعه بشری و در نظام زندگی انسان به وجود می‌آورند. ستیزه با این حالت هم یک حالت مطلوب اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲).

۵-۷- عزت و استقامت

استقامت و عزت دو مؤلفه دیگر هویت دینی و انقلابی‌اند که یکدیگر را تکمیل و یاری می‌کنند. برای داشتن هویت انقلابی استقامت لازم است؛ زیرا برای مقابله با فشارهای درونی و بیرونی و غلبه بر مشکلات در راه رسیدن به هدف، پایداری و استقامت لازم است. بدون استقامت در هیچ کاری نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید. برای این که مصیبت‌های وارده و دشواری‌های راه، انسان را از پای در نیاورد و استقامت کند، عزت لازم است. عزت چه به‌عنوان خصلت فردی یا روحیه جمعی به معنای مقهور عوامل بیرونی نشدن، شکست‌ناپذیری، صلابت نفس، کرامت و الایی روح انسانی و حفظ شخصیت است. به زمین سفت و سخت و نفوذناپذیر، «عزاز» گفته می‌شود. آنان که از عزت برخوردارند، تن به پستی و دنائت نمی‌دهند، کارهای زشت و حقیر نمی‌کنند، و برای حفظ کرامت خود و دودمان خویش، گاهی جان می‌بازند. ستم‌پذیری و تحمل سلطه باطل و سکوت در برابر تعدی و زیر بار منت دوان رفتن و تسلیم فرومایگان شدن و اطاعت از کافران و فاجران، همه‌وهمه از ذلت نفس و زبونی و حقارت روح سرچشمه می‌گیرد (محدثی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). «و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین» خداوند عزیز است و عزت را برای خود و پیامبر و صاحبان ایمان قرار داده است. در احادیث متعدّد، از ذلت و خواری نکوهش شده و به یک مسلمان و مؤمن حق نداده‌اند

که خود را به پستی و فرومایگی و ذلت بیفکند. به فرموده امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ فَوْضَ الْإِلَى الْمُؤْمِنِ امْرَأَةً كَلَّةٌ وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا...» (ری شهری، ۱۳۸۶: ج ۶، ۲۸۸). در واقع حادثه کربلا آموزگار مقاومت و عزت است و قهرمانان عاشورا، الهام‌دهندگان استقامت و حفظ عزت‌اند است.

در این ارتباط در دوران معاصر می‌توان به استقامت و عزت حضرت امام خمینی (ره) در مقابل استکبار و رژیم ستم‌شاهی پهلوی اشاره کرد و گفت حضرت امام (ره) عزت و استقامت را همواره در سایه اتکال به خداوند متعال و تبعیت از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (علیهم‌السلام) می‌دانستند و بر این اساس ایشان سرآمد مجاهدان روزگار ما بود و اکنون نیز هر آن کسی که مدعی ادامه‌دادن راه حضرت امام (ره) است باید در عمل تابع راه ایشان باشد.

امامت، در ترسیم صبر و مقاومت مردم ایران در برابر حملات دشمن بعثی - به یاری تمامی مستکبرین و قدرت‌های جهانی - از پایداری و عزت آنان ستایش کرده، می‌فرماید: «مبارک باد بر خانواده‌های عزیز شهدا، مفقودین و اسرا و جانبازان و ملت ایران که با استقامت و پایداری و پایمردی خویش به بنیانی مرصوص مبدل گشته‌اند که نه تهدید ابرقدرت‌ها آنان را به هراس می‌افکند و نه از محاصره‌ها و کمبودها به فغان می‌آیند... زندگی با عزت را در خیمه مقاومت و صبر، بر حضور در کاخ‌های ذلت و نوکری ابرقدرت‌ها و سازش و صلح تحمیلی ترجیح می‌دهند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۵۹).

۶-۲- عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی

عدالت از مولفه‌های مهم هویت دینی است چرا که فرمان خدا و رسول است و دامنه آن همه امور زندگی را در بر می‌گیرد، حتی رفتار عادلانه میان فرزندان را، ولی جهت بارز و عمده آن در هویت انقلابی، ظلم‌ستیزی آن است که باید عدالت اجتماعی و مراعات حقوق افراد از سوی حکومت‌ها رعایت شود و حکومت جائز و سلطه ستم از زشت‌ترین منکراتی است که باید با آن مبارزه کرد. پیام عاشورا، دعوت از انسان‌ها برای تلاش در راه اقامه عدل و قسط است که بدون حیات اجتماعی مبتنی بر عدل، همه ارزش‌ها تباہ می‌شود و زمینه مرگ دستورهای دینی آیین الهی

فراهم می‌آید (محدثی، ۱۳۸۵: ۴۳). همچنین به تعبیر امام علی (علیه‌السلام): «عدالت، مایه حیات احکام اسلام است» (شریفی، محمود و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۵۶). امام خمینی (قدس سره) بر این ماهیت در نهضت سید الشهداء (علیه‌السلام) تصریح کرده می‌فرماید: سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه که همه عمرش را و همه زندگی‌اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومت‌ها در دنیا ایجاد کردند، تمام زندگی‌اش را صرف این کرد که این حکومت جور بسته بشود و از بین برود (مجلسی، ۱۳۶۸: ج ۴۴، ۳).

همین ماهیت و هویت انقلابی عدالت‌خواهی در قیام عاشورا و ظلم‌ستیزی امام حسین (ع) سرمایه الهام ملت ما در قیام بر ضد طاغوت بود و چنان موفق بود که سرمشق دیگر ملل گشت. به گونه‌ای که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید:

«پیام دیگر انقلاب، «عدالت» است. در دنیا هر جا که ندای عدالت‌خواهی بلند شده است، این انقلاب آنجا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حق‌جویان و عدالت‌خواهان عالم، همراهی کرده است. بسیاری از عدالت‌خواهان، آزادی‌خواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنج‌گانه عالم، می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» و راست می‌گویند. این هم یک پیام است؛ پیام عدالت‌خواهی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۳/۱۴).

۷-۷- آزادی و استقلال خواهی

آزادگی یکی دیگر شاخصه‌های اصلی هویت دینی و انقلابی است و نوعی حریت انسانی و رهایی انسان از قید و بندهای ذلت آور و حقارت‌بار است. در پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی، گاهی صحنه‌هایی پیش می‌آید که انسان‌ها به خاطر رسیدن به دنیا یا حفظ آنچه دارند یا تأمین تمنیات و خواسته‌ها، یا چند روز زنده ماندن، هرگونه حقارت و اسارت را می‌پذیرند. اما احرار و آزادگان دارای هویت دینی و انقلابی، گاهی با ایثار جان هم‌بهای «آزادگی» را می‌پردازند و تن به ذلت نمی‌دهند. نهضت عاشورا جلوه بارزی از این هویت دینی یعنی آزادگی است، امام حسین - علیه‌السلام - و خاندان و یاران شهید ایشان با علم به این که در صورت بیعت زنده می‌مانند به دلیل

آزادگی تن به بیعت ندادند و زیر بار نرفتند. منطق امام (ع) این بود که: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بَيْدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أُقْرَأُ إِقْرَارَ الْعَبِيدِ» (شریفی، محمود و همکاران، ۱۳۷۷: ۴۲۱) نه به خدا سوگند، نه دست ذلت به آنان می‌دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آنان می‌شوم.

اگر آزادی‌خواهان و آزادگان جهان، در راه استقلال و رهایی از ستم و طاغوت‌ها می‌جنگند و الگوشان قهرمانی‌های شهدای کربلاست، در سایه همین درس «آزادگی» است که ارمغان عاشورا برای همیشه تاریخ است. انسان‌های آزاده، در لحظات حساس و دشوار انتخاب، مرگ سرخ و مبارزه خونین را بر می‌گزینند و فداکارانه جان می‌بازند تا به سعادت شهادت برسند و جامعه خود را آزاد کنند (محدثی، ۱۳۸۵: ص ۷۹).

حکومت ایران نیز در زمان رژیم پهلوی، تا گردن در لجنزار وابستگی گیر کرده بود، اما بعد از آن، انقلاب اسلامی بر سرکار آمد که همچون رهبرش مستقل بود و از هیچ استکبار و ابرقدرتی حرف نمی‌شنوید و ملت خود را از وابستگی به اجانب نجات و آزادی و استقلال را به آنان هدیه داد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این ارتباط می‌فرماید:

«استقلال یعنی اینکه ملت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل قدرت‌های بیگانه را قبول کنند. بیگانگان هرچه خواستند، برطبق میل آن‌ها انجام شود؛ اگر آن‌ها مصالح کشور را قربانی کردند، دولت دم نزند؛ اگر به منابع ملی کشور تعرض و تجاوز کردند، کسی حرف نزند؛ اگر ملت هم مخالفت کرد، دولت توی سرش بزند! این وضعی بود که در دوران پهلوی، خود ما با پوست و گوشت و جسم و جان خود آن را لمس کردیم. انقلاب آمد ملت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند. مسئولان کشور نگاه می‌کنند و هر کاری را که مصلحت تشخیص دادند، انجام می‌دهند. ملت، تماشاگر و قضاوت‌کننده کارهای مسئولان است؛ اگر آن‌ها را پسندید، پشت سر مسئولان می‌ایستد؛ اگر نپسندید، آن‌ها را عوض می‌کند؛ اختیار دست ملت است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴).

۸-۷- ولایت مداری

از مهم‌ترین اصول هویت دینی و انقلابی، ولایت‌مداری است که تمام شاخصه‌های دیگر نیز در سایه پیروی از آن تحقق می‌یابد. ولایت به معنای پذیرفتن رهبری پیشوای الهی و نیز اعتقاد به اینکه امامان معصوم، پس از پیامبر اسلام، از سوی خداوند بر مردم ولایت دارند. در این شاخصه از هویت دینی و انقلابی اعتقاد بر این است که امامان آمده‌اند تا انسان‌ها را از هر نوع ذلت و بردگی نجات بدهد و میان آنان عدالت برقرار کند و غیر از نیازهای مادی و طبیعی بشر، بعد روحی و معنوی آدمیان را هم تربیت و تقویت کند و جامعه بشری را بر پایه «اخلاق» و «عدالت» بسازند. این وظیفه در دوران غیبت امامان معصوم بر عهده ولی فقیه سپرده شده است، ولایت فقیه، از ولایت امامان معصوم (علیهم‌السلام) سرچشمه می‌گیرد و تداوم رهبری امامان (علیهم‌السلام) در عصر غیبت و محور وحدت امت اسلامی است. ریشه ولایت امام (ع)، در ولایت پیامبر (ص) است. ولایت پیامبر (ص) نیز ریشه در ولایت خدا دارد. به جاست که این خط سیر را از ولایت خدا شروع کنیم و به ولایت فقیه برسیم.

بنابراین، در هویت دینی شیعیان برای این که دین خدا پابرجا مانده، و انسان عصر حاضر بتواند مسائل اجتماعی - سیاسی خود را با دینش هماهنگ کند، وجود فقیهان دین لازم است، لذا ضرورت بودن فقیه و ولایت او در جهت استمرار حکومت پیامبر (ص) و اهل بیتش (علیهم‌السلام)، امری ضروری است. همچنین در هویت دینی و انقلابی، پیروان در راه اطاعت از ولی‌امر و عشق‌ورزیدن و قرارگیری در رکاب اویند. در تاریخ معاصر، بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران بازتولید اندیشه ولایت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های هویت دینی و انقلابی است. بر همین مبنا از مهم‌ترین اصول «قانون اساسی» ولایت فقیه است که پشتوانه نظام اسلامی ایران برای اداره جامعه اسلامی و استمرار امورات مردم در دوران غیبت به حساب می‌آید.

۸- راهکارهای انسجام هویت دینی و انقلابی در جامعه ایران

در ادامه این بخش از نوشتار سعی می‌شود راهکارهایی را در راستای انسجام و تقویت هویت دینی و انقلابی، در غالب، دشمن‌شناسی، تهذیب نفس، اسلامی‌سازی مبانی علوم انسانی، بیان و بررسی شود.

۱-۸- دشمن شناسی

در هویت دینی و انقلابی، دشمن شناسی از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که بخشی از آیات قرآن و روایات به آن پرداخته شده است و در ضمن داستان‌های متعددی، چهره‌ها، شیوه‌ها و انگیزه‌های دشمنان جبهه توحید را در شکل‌های گوناگون مطرح می‌نماید. بی‌تردید انقلاب بزرگی همچون انقلاب اسلامی ایران که ریشه‌های حاکمیت طاغوت را از بیخ و بن برکند، برای حفظ و تداوم حرکت خود باید دشمنان خود را به خوبی شناسایی کند تا بتواند در برابر حملات و شگردهای خاص آنان به خوبی ایستادگی نماید (نگارش، ۱۳۸۵: ۸۳).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «از پیروزی انقلاب تا امروز همه تلاش امام عزیزمان و دیگر کسانی که در راه آن بزرگوار حرکت می‌کردند برحسب امکان و توانایی و پیشش، این بوده است که معلوم شود در دنیای امروز برای مسلمانان و جامعه اسلامی ایران و پایه‌های عدل و حق، چه تهدیدی از همه بالاتر و چه دشمنی از همه خطرناک‌تر است؟ نباید در شناخت دشمن اشتباه کرد... نباید تصور کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین دست برداشته است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۸/۰۷). با غلبه انقلاب اسلامی بر حاکمیت طاغوت، دشمنی آمریکا با توجه به از دست دادن منافع خود در منطقه، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و این گستردگی آن قدر فزونی یافت که به عنوان دشمن اصلی انقلاب، قلمداد گردید.

۲-۸- تهذیب و تزکیه اخلاقی و حذف عوامل فساد

مؤلفه اساسی دیگر برای انسجام هویت اسلامی و انقلابی در جامعه، ترویج تهذیب و تزکیه نفس در جامعه است. جامعه‌ای، به سعادت اخروی، و هم به سعادت دنیوی دست خواهد یافت که تزکیه شده باشد، یعنی مردمش نفس خود را اصلاح کرده، رذایل اخلاقی را از خودشان دور کرده و دورویی و دروغ و فریب و حرص و طمع و بخل و بقیه رذایل انسانی را از خودشان جدا کرده و زدوده باشند. اگر بدبختی‌های انسانیت را ریشه‌یابی کنید، به آلودگی نفسانی انسان‌ها برمی‌گردد.

آنجایی که ضعف و بدبختی هست، یا به‌خاطر اختلافات است، یا به‌خاطر حرص و آز و دنیاطلبی است، یا به‌خاطر بددلی انسان‌ها با یکدیگر است، یا به‌خاطر ترس و اظهار ضعف و ترس از مرگ است، و یا به‌خاطر میل و رغبت به شهوات و خوش‌گذرانی است. این‌ها مایه اصلی بدبختی‌های جوامع بشری است. چگونه می‌شود این‌ها را برطرف کرد؟ با تهذیب و تزکیه اخلاقی. زندگی باسعادت در این علم و کسب درجات اخروی و معنوی محتاج و متکی به تزکیه است. همچنین دستیابی انسان به مقصد اعلی، وابسته به تزکیه است؛ «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربّه فصلی». آن کسی که تزکیه بکند، فلاح و رستگاری را به دست آورده است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در این ارتباط می‌فرماید: «البته تهذیب اخلاقی در حکومت طاغوت بسیار مشکل است. کمتر انسانی را می‌توان پیدا کرد که در دوران حاکمیت طاغوت‌ها بتواند به رشد معنوی و اخلاقی دست پیدا کند، تا مثلاً به مقامی روحی و معنوی برسد و کسی مثل مقام بزرگان و شخصیتی مثل امام امت به وجود بیاید؛ اما در دوران حاکمیت اسلام آسان‌تر است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۹/۰۱).

۳-۸- پیروی از ولایت و رهبری

بر اساس این ویژگی نظام اسلامی، نظامی است که رهبران آن تبلور عینی ارزش‌های اسلامی و هویت دینی و انقلابی آن است. در واقع آن چه در هویت اسلامی حاکم است، ارزش‌های اسلامی است، مردم بر اساس اعتقاد به امامت و تداوم آن در شکل نظام ولایت فقیه و اطاعت در کلیه شئون زندگی از ایشان زمینه تثبیت و اقتدار نظام اسلامی را فراهم می‌کنند. در واقع «حکومت و نظام اسلامی بر پایه سه اصل دین، مردم و رهبری شکل گرفته است، هر چه پیوند این سه عنصر قوی‌تر و عمیق‌تر باشد هویت دینی و انقلابی پایدارتر و باثبات‌تر خواهد بود و هر چه این پیوند سست‌تر و ضعیف‌تر شود هویت انقلابی جامعه آسیب‌پذیرتر خواهد بود، و یکی از اصول مهم هجوم فرهنگی دشمنان تضعیف، تخریب و قطع ارتباطات و پیوندهای مزبور است (مهدی، ۱۳۷۵: ۴۶).

۹- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی با چارچوب‌های مشخص هویت اسلامی و انقلابی، حفظ هویت دینی و صدور آن به دیگر ملل مورد ظلم واقع شده را، در رأس سیاست‌گذاری‌های خود

قرارداد. در این میان دشمنان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی ایران، به دلیل ترس از گسترش هویت دینی و انقلابی به سایر جوامع اسلامی و به خطر افتادن منافع و ارزش‌های غربی، برنامه تغییر هویتی، هویت دین‌محور جامعه ایران را با استفاده از ابزارهای گسترده‌اش و با یک نظام برنامه‌ریزی شده در دستور کار خویش قرار دادند. در همین راستا جهت ترویج ناکارآمدی هویت اسلامی در حفظ ثبات و امنیت عمومی و زشت جلوه‌دادن اصول و مبانی آن، از هیچ نیرنگ و عمل ناجوانمردانه‌ای همچون، تحریم‌های فلج‌کننده، جنگ تحمیلی، تبلیغات رسانه‌ای و... دریغ نکرده‌اند.

انقلابی که امام خمینی آن را رقم زد و رهبری کرد، انقلابی در احیای هویت دینی بود با تمام شاخصه‌های آن یعنی: استقلال‌طلبی، سلطه‌ستیزی، شهادت‌طلبی و عزت‌طلبی و...؛ بنابراین برای بررسی هویت دینی و انقلابی، مهم است که آن را از منظر امام خمینی (ره)، هدایت‌کننده نهضتی انقلابی و اسلامی بازشناسیم؛ لذا اساسی‌ترین راهکار در رفع چالش‌های پیشروی هویت دینی - انقلابی در این برهه از زمان تنها اتکا به معیارها و شاخصه‌های هویت دینی - انقلابی و پایبندی به آن محقق خواهد شد؛ بنابراین امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به شفافیت هویت اصیل انقلاب اسلامی و بازسازی معیارهای عمیق آن در جهت توانمندی جامعه و انطباق بهینه آن با شرایط و مقتضیات زمانه و عملیاتی کردن اصول ارزشی آن در عرصه عمل در مقابله با معضلات و مشکلات رایج احساس می‌شود، تا با کسب توفیقات روزافزون در عرصه عمل، به تقویت و مشروعیت روزافزون نظام جمهوری اسلامی و انسجام هرچه بیشتر هویت دینی و انقلابی برسیم. به همین ترتیب در این نوشتار تلاش شد تا شاخصه‌های این هویت اصیل، بازنمایی و راهکارهای انسجام آن، چالش‌ها و موانع دستیابی به آن و ترفند و گفتمان رقیب این هویت بررسی شود، تا قدمی در شناخت بهتر این مفهوم برداریم.

این پژوهش باهدف احصاء شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی در تربیت و جامعه‌پذیری سیاسی ایران انجام گرفت و به بررسی هویت دینی و انقلابی از منظر امام خمینی (ره)، چالش‌ها و راه کارهای حفظ هویت دینی پرداخته شد. بر اساس یافته‌های پژوهش شاخصه‌های هویت دینی و انقلابی عبارت‌اند از: توکل، شهادت‌طلبی، باطل‌ستیزی، عزت و استقامت، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، آزادگی و استقلال‌خواهی، ولایت‌مداری. همچنین راهکارهای انسجام هویت دینی و

انقلابی در جامعه ایران عبارت‌اند از: دشمن‌شناسی، تهذیب و تزکیه اخلاقی و حذف عوامل فساد، اسلامی‌سازی مبانی و منابع علوم‌انسانی، پیروی از ولایت و رهبری. آسیب‌شناسی دلایل و موانع دستیابی به هویت دینی و انقلابی در جامعه ایران شامل: ناکارآمدی رسانه‌های جمعی، ایجاد تنگناهای اقتصادی از سوی کشورهای معاند، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و عدم رعایت منافع عمومی بود. پیامدهای تضعیف هویت دینی منجر به انزوای دین و مبانی ارزشی، حاکمیت اسلام آمریکایی، حذف رهبری دینی، محو فرهنگ کفر ستیزی خواهد شد. نتایج پژوهش بیانگر این است که آسیب‌شناسی دلایل و موانع دستیابی به هویت دینی و انقلابی در جامعه ایران و راهکارهای ارائه شده می‌تواند در شکل‌گیری هویت دینی و انقلابی تربیت سیاسی جامعه ایران مفید واقع شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۳)، ترجمه: حسین انصاریان، سازمان اوقاف و امور خیریه، قم، انتشارات اسوه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق). مناقب، قم: علامه.
- اسدی مقدم، کبری (۱۳۷۴). دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، موسسه نشر تحقیقات ذکر.
- جاوید مهر، محمود (۱۳۹۴). کارکردهای جامعه‌پذیری سیاسی بر تعلیم و تربیت، اولین کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه علوم اجتماعی روانشناسی و علوم تربیتی، تهران.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه». فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم، شماره پنجم، پاییز.
- حاضری، علی محمد و علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). «خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی (ره)»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱). بیانات در دیدار جمعی از روحانیون. در تاریخ ۷ آبان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱). بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا. در تاریخ ۲۲ تیر.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷). بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت. در تاریخ ۲ شهریور.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). «ولایت فقیه». جلد ۹. تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. ص ۴.
- رانی، اوستین (۱۳۷۴). حکومت: آشنایی با علم سیاست، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). مشکل هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ. تهران: نشر نی.
- سرودلیر، محمدرضا. «نگاهی به مسئله اسراف، زراندوزی و اشرافی‌گری» کیهان، ۷۶/۱/۱۷.
- سیمبر، رضا و ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۳، بهار). چالش‌های هویتی فراروی هویت دیم محور انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال یازدهم. شماره ۳۶. صص ۹۱-۱۱۰.
- شریفی، محمود و همکاران (۱۳۷۷). «موسوعه کلمات الامام الحسین» تهران: انتشارات اسوه.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). «فرهنگ عمید». تهران: اشجع.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۰). «هویت دینی و چالش‌های آن». مجله نامه پژوهش فرهنگی. شماره ۲۲ و ۲۳.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت، ج ۲، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کمالی اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). «نگاهی تاریخی به سیر تحول مردم سالاری در اندیشه متفکران مسلمان». فصلنامه راهبرد. شماره ۲۸، تابستان.
- لوکمان، توماس و برگر، پیتر (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: انتشارات کویر.

- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸). «بحار الاءنوار». ج ۴۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی، فاطمه؛ پوستین چه؛ زهره، متقی، ابراهیم (۱۴۰۱). فهم تجربه زیسته زنان از فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در ایران، بررسی مسائل اجتماعی ایران پاییز و زمستان، شماره ۳۲ از ۱۵۲ تا ۱۷۲.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). «میزان الحکمه»، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مختاری، رضا (۱۳۶۶). «سیمای فرزندگان»، ج ۳، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۳۸۰.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۵)، دین و هویت، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- منصوری، جواد (۱۳۷۸). «شناخت استکبار جهانی». مشهد: انتشارات به نشر.
- موسوی، مهدی (۱۳۸۷). تربیت سیاسی در پرتو انتظار با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم، چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۷)، «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، «صحیفه نور»، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مولانا، حمید (۱۳۶۹). «نقد حال مطبوعات از زبان اساتید اهل فن»، مجله رسانه، ش ۱، صص ۵-۱۶.
- مهدوی زادگان، داود؛ محمدی سیرت، علی (۱۳۹۴). اصول تربیت سیاسی: مطالعه موردی فتنه سال ۱۳۸۸، معرفت سیاسی، سال هفتم، شماره اول.
- مهدی، نوید (۱۳۷۵). «فرهنگ و مقاومت فرهنگی». تهران: انتشارات محیا. صص ۴۲-۵۰.
- نگارش، حمید (۱۳۸۵). «هویت دینی انقلاب اسلامی و تهاجم بیگانگان». فصلنامه پیام. شماره ۸۱ صص ۸۱-۱۰۰.
- Cote, J, and E. Levine, C. (2018); "Identity Formation", Agency and Culture, New Jersey, Lawrence Erlbaum Associates, PP 17-43.
- Davis,R,F and Kiang(2016). Religious Identity, Religious Participation, and Psychological Well-Being in Asian American Adolescents, Journal of Youth Adolescence (2016), 45:532–546, DOI 10.1007/s10964-015-0350-9
- Saroglou, V. (2017). Culture, personality, and religiosity. In A. T. Church (Ed.) , The Praeger handbook of personality across cultures. Vol. 2: Culture and characteristic adaptations (pp. 153-184).
- Van der Nol,J . Rohmann,A. and Saroglou,V(2018). Societal Level of Religiosity and Religious Identity Expression in Europe, Journal of Cross-Cultural Psychology 2018, Vol. 49(6), 959 –97.

